

## طبقه بندی پیکرک های عصر آهن کرانه های جنوبی دریای کاسپی

فاطمه مهدیخانی

دانشجوی دکترای باستان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

fatemeh.mehdikhani64@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۵)

### چکیده

نخستین آثار هنری بشر در اعصار پیش از تاریخ و از یافته های شاخص در عصر آهن ایران پیکرک های سفالی است که ساخت آن ها با تغییراتی خاص تا دوران اسلامی نیز تداوم یافته است. تنوع زیادی در بین آنها دیده می شود و به انواع مختلف از نظر شکل و جزییات ساختاری تقسیم می شوند بطوری که می توان آنها را بر مبنای شکل به قسمت های مختلف طبقه بندی کرد از مهم ترین ادوار ساخت این پیکرک ها می توان به ادوار موضوع پژوهش، عصر آهن اشاره کرد هدف اصلی مقاله، بررسی و شناخت مهم ترین ویژگی های پیکرک های سفالین مزبور به همراه طبقه بندی آنهاست که به ویژگی های سفالینه های پیکره ای ایران در عصر آهن در حوزه کاسپین پرداخته که از ابتدای جمع آوری غذا آغار و در عصر آهن شکوفا می شود. روش پژوهش انتخابی، با توجه به نوع موضوع و هدف، تلفیقی از روش های توصیفی، تاریخی و مقایسه ای است که در این پژوهش تعداد ۱۰۳ پیکرک معرفی شده در گزارش های باستان شناسی مورد مطالعه و طبقه بندی گرفته است. شیوه طبقه بندی بر مبنای شباهت میان نمونه ها می باشد بررسی پراکندگی این گونه ها نشانگر نظم خاص و رابطه مشخص میان پیکرک ها و مناطق جغرافیایی مختلف است. هدف مقاله کاربرد استفاده از این پیکرکها و مقایسه آنها با محوطه های بزرگ عصر آهن است که می توان گفت تابع پراکندگی مکانی است بطوری که در نواحی مختلف سبک ها مختلف دیده شده است.

واژگان کلیدی: جنوب کاسپی، پیکرک، عصر آهن، طبقه بندی.

## مقدمه

مناطق بین رشته کوههای البرز و دریای کاسپی، که در شمال ایران واقع است یکی از خوش آب و هوای مناطق ایران است که در طی ادوار و قرن ها محل سکونت اقوام گوناگون بشری بوده است، یکی از این ادوار، عصر آهن است. از ظروف کاربردی، روزمره و ظروف آیینی که می توان پیکره ها، تکوک ها، ظروف ترکیبی، قوری ها، کوزه ها، فنجان ها، سبوها، دیگ ها و قدح های سفالی را نام برد. در میان فرم های سفالی شباهت هایی با سایر نقاط ایران و مناطق جنوب دریای کاسپی وجود دارد. در منطقه مورد تحقیق سفال هایی همچون پیکرک ها، تکوک ها، قوری ها، کوزها، پیمانه ها، قدحها و کاسه ها را نام برد که در مواردی، بسیار به هم شبیه هستند؛ اما سفال این مناطق با دیگر مناطق ایران نیز باز در بسیاری از فرم های سفالی شبیه هستند که می توان بعضی از پیکره ها و تکوک های سفالی انسان و حیوان را نام برد و یا ظروف ترکیبی که از کلورز، خوروین و حسنلو یافت شده است که در ساخت و مفهوم به یک معنا هستند و در کنار این ها می توان به ظروفی همچون قوری ها، پیمانه ها، کوزها ی سفالی اشاره کرد که بعضی از فرمهای این ظروف باز به هم شبیه هستند. ولی در بسیار دیگر از فرمهای سفالی، می توان جنبه ها و تأثیرات محلی و محیطی

را به وضوح دید؛ باز می توان پیکره های سفالی انسان و تکوک های سفالی خرس، پلنگ را از مارلیک نام برد که نمونه مشابه آن در جای دیگر گزارش نشده است. به طور کل می توان گفت، سفال عصر آهن مناطق جنوبی دریای کاسپی یا مناطق شمالی کوههای البرز، هم تأثیرات منطقه ای و هم تأثیرات فرامنطقه ای قابل مشاهده است؛ ولی این تأثیرات در اندازه های مختلف است؛ در این مورد می توان گفت که، از دره رود سفید رود تا رودخانه چالوس، فرم ها و شکلهای سفالی از نظر شباهت، نسبت به سایر نقاط نزدیکتر و شبیه هستند. بعد از این مناطق، می توان گفت که منطقه غرب گیلان (تالش) و شرق مازندران مثل گوهرتپه نسبت به سایر نقاط نزدیکتر و شبیه تر هستند. سفال عصر آهن دشت گرگان با سفال عصر آهن این مناطق تفاوتی دارد و بیشتر شخصیتی محلی دارد.

پیشینه بررسی ها و مطالعات باستان شناسی در مناطق جنوب دریای کاسپی

اولین فعالیتهای باستان شناسی در جنوب دریای کاسپی، توسط ژاک دمرگان (J. Demorgan) در سالهای (۱۲۷۵ - ۱۲۸۴ خورشیدی) (۱۹۰۵ - ۱۸۹۶ م) در مناطق جنوب دریای کاسپی انجام داد که به آثاری از آهن در تالش گیلان رسید. در سالهای ۱۳۱۰، وولسین در تورنگ تپه حفاری کرد که منجر

داد. ترومپل مان در سال ۱۳۵۲ در پل عباسی حفاری انجام داد. در سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷، محمود موسوی در اشگورات گیلان بررسیهایی کرد. در سال ۱۳۵۴ دکتر نگهبان در منطقه مرزن آباد و علم کوه در کلار دشت بررسیهایی کرد. شینجی فوکائی در حلیمه جان گیلان در سال ۱۳۵۵ خورشیدی بررسی کرد. محمد رضا خلعتبری، در بعد از انقلاب در محوطه های زیادی در گیلان همچون کلورز، اصطخ جان، جمشیدآباد، شهران، وسکه، میانرود..... بررسی و حفاری کرد. تعیین حریم تپه کلار در سال ۱۳۷۹ توسط حسن کریمیان در کلاردشت انجام شد. در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۸۰، موسوی کوهپر در منطقه کوجور بررسی کرد و در سال ۱۳۸۵ کاوشهای لایه نگاری در تپه کلار انجام داد. از سالهای ۱۳۷۹ به بعد مطالعه و کاوشهای، محوطه بزرگ گوهر تپه، توسط علی ماهفروزی انجام شد و هنوز ادامه دارد. غار کمیشان در سال ۱۳۸۷، توسط حامد وحدتی نسب مورد کاوش قرار گرفت. در سال ۱۳۸۴ ژیل بریون به همراه دکتر عسگری خانقاه در روستای بلیران شهرستان آمل حفاری کرد. امیر کلایی در تپه های قلعه پی، تپه عباسی، قلعه کش آمل به سالهای ۱۳۷۷ حفاری کرد. قربانعلی عباسی در سال ۱۳۸۵، در نرگس تپه گرگان حفاریهای گسترده ای انجام داد و به آثاری از دوره مس و سنگ تا دوره اسلامی کشف کرد. و بسیاری دیگر از باستان شناسان ایرانی

به کشف سفال خاکستری و نخودی منقوش شد. در ادامه در سال ۱۳۱۱، تی.جی.آرنه در دشت گرگان طی بررسی هایی بیش از ۳۰۰ محوطه باستانی شناسایی کرد. در سالهای ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ خورشیدی (۱۹۴۸-۴۹ میلادی) کارلتون استانلی کون در غار کمر بند و هوتو حفاری انجام داد و به آثاری از دوره سنگ تا دوره اسلامی رسید. در سال ۱۳۲۹ خورشیدی حبیب الله صمدی در کلار دشت، گرمابک، تماجان بررسی و کاوش انجام داد و آثار از اشیاء دست یافت و نامیو آگامی و شینجی فوکائی در سال ۱۳۳۹-۱۳۴۰ در نوروز محله گیلان و خرم رود گیلان حفاریهای باستان شناسی انجام دادند. محسن مقدم در سال ۱۳۴۰ خورشیدی در دیلمان بررسی انجام داد. در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ عزت الله نگهبان در مارلیک و پیلا قلعه، علی کرم باغ و قبرستان قشلاق در نزدیکی مارلیک، حفاریهای مفصلی انجام داد. ماسودای ژاپنی در سال ۱۳۴۳ در امام گیلان حفاری باستان شناسی انجام داد. در سال ۱۳۴۳ خورشیدی نامیو آگامی و ت.سونو در حسنی محله حفاری کرد. فوکائی و ژ.ایکدا در قلعه کوتی گیلان، در سال ۱۳۳۹ و ۱۳۴۲ حفاری کردند. در سال ۱۳۱۸، چارلز مک برنی در غار علی تپه حفاری کرد و علی حاکمی در کلورز در سال ۱۳۴۳ خورشیدی حفاری انجام داد. در سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵، شیومی در گرگان و مازندران بررسی انجام

«۲» در این مناطق دارای رونق و پیشرفت خوبی شد که از جنبه های طبیعی ، محیطی و قومیتی تأثیرات زیادی پذیرفته و شکل گرفته اند . در مناطق جنوبی دریای کاسپی انواع زیادی از پیکره های سفالی حیوانی و انسانی توخالی به مانند یک ظرف یافت شده است ، خصوصاً در مارلیک که تعداد زیادی پیکره درون قبور یافت شده است . این پیکره ها ، ظروفی را به نمایش می گذارند که به شکل انسان و حیوانات چهار پا همچون گاو ، اسب ، قوچ ، بز ، آهو و پرندگان ساخته شده اند (نگهبان ۱۳۷۸: ۳۴۴-۴۱۱ ؛ خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۸۷-۲۸۴). این پیکره ها دست سازند یا با قالب ساخته شده و در رنگهای مختلف خاکستری ، سیاه ، نخودی ، قرمز آجری هستند . این فرم سفالی در عصر آهن کاربرد آیینی دارد و بیشتر در مراسمات و جشن ها و یا مراسم کفن و دفن بکار می رود. در مناطق جنوبی دریای کاسپی تعداد زیادی از این شکل و فرم سفال بدست آمده که به طور کل درون قبور یافت شده است.

#### پیکره یا مجسمه های سفالی انسان (تصاویر شماره ۱)

این فرم سفالی به شکل انسان نر یا ماده ساخته شده است و دارای رنگ های خاکستری و قرمز آجری هستند . بیشتر موارد ظرفی را به شکل انسان به

و خارجی منطقه مورد نظر (مناطق جنوبی دریای کاسپی) را مورد بررسی و کاوشهای خود قرار دادند و آثار و یافته های زیادی را کشف و معرفی کردند (فهیمی ، ۱۳۸۱) (خلعتبری ، ۱۳۹۲) (عباسی ، ۱۳۹۰) (ماهفروزی ، ۱۳۸۹) .

سفال عصر آهن مناطق جنوبی دریای کاسپی را به سه گروه بزرگ تقسیم می کنیم . ۱: ظروف به شکل پیکره های انسانی و حیوانی ( تکوک یا ریتونها ) . ۲: ظروف ترکیبی یا ظروف چندگانه . ۳: ظروف کاربردی و روزمره یا خانگی که در خانه یا آشپزخانه و در امور زندگی کاربرد دارند .

#### سنت ساخت پیکرک در عصر آهن:

سنت ساخت پیکره ها به عصر نوسنگی می رسد که انسان ها ی آن دوره از سنگ ، سفال ، استخوان ، عاج و چوب آثار هنری خوبی را خلق کردند . از نمونه آنها می توان به دو نمونه از تپه سراب یاد کرد ، که یکی به شکل گراز و دیگری به شکل الهه باروری است که توسط هیأت بریدوود در سال ۱۳۳۸ شمسی در تپه سراب کرمانشاه کشف شده است (ملک شه میرزادی ، ۱۳۸۲: ۲۴۷) . در دوره های بعدی هم سنت ساخت پیکره های مخصوصاً نوع سفالی آن به شکل انسان و حیوان ادامه یافت . در دوره آهن در ایران ، این هنر به کمال و سبک بالا و خوبی رسید ، مخصوصاً در مناطق جنوبی دریای کاسپین . این هنر در اواخر هزاره دوم ، عصر آهن

است ، دستها هم روی سینه قرار گرفته اند ؛ این پیکره ها از جنس سفال آجری رنگ هستند (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۵۱) (لوحه ، ۷۱- شماره ، ۳) ؛ یک نمونه هم دارای پاهای کلفت و بدنی استوانه ای و سری کوچک و یک شمشیر کوتاه برکمر خود نصب کرده است و دو دست خود را جلو نگه داشته و در دست راست خود ظرفی گود را نگه داشته است که یک طرف آن یک آبریز ناودانی کوچک ایجاد کرده اند . شماره ، ۴) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۷۸) . نمونه های پیکره سفالی یافت شده در شهران و نصفی هم توپر هستند و دارای دست کوتاه و پاهای کوتاه ؛ پیکره های شهران و نصفی ابتدایی و به صورت سمبلیک هستند و متعلق به عصر آهن «۱» هستند (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۵۱) ( شماره ، ۵) . در منطقه املش هم پیکره های سفالی بدست آمده که در آن می توان به نمونه ی اشاره کرد که شخصی را نشان می دهد این پیکره ظرف سفالی آبریزداری را در دستان خود در جلو نگه داشته است (شماره ، ۶) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۷۴ ، ش ۱) ، در ساخت این پیکره سعی شده تا طبیعی و واقعی باشد ولی نسبت به پیکره های مارلیک از طبیعت گرایی کمتری برخوردار است . نمونه ای از پیکره ای در املش به دست آمده که بسیار ابتدائی است ، این پیکره توپر است با باسنی بزرگ و پاهای کوتاه و بدنی استوانه ای و دراز ، و گردی در بالای بدن که صورت را به

نمایش می گذارد که در دستان خود ظرفی برای حمل آب، برای زندگی و رشد گیاهان و موجودات دارند. این پیکره ها در محوطه هایی چون مارلیک (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۳۴۱- ۳۶۳) ، کلورز ، شهران ، نصفی و در مرکز و غرب ایران همچون سیلک ، خورویین (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۵۱) بدست آمده است. در مارلیک تمامی این پیکره ها عریان هستند و به غیر از دو پیکره کماندار و گردونه سوار بقیه پیکره ها توخالی هستند و حالت صورت آنها به صورت غمگین و یا وحشت کرده و با دهان هایی باز ساخته شده اند که دست بر سر و صورت می زنند؛ در جنسیت این پیکره های سفالی بویژه روی آلت تناسلی آنها تأکید شده است ( نگهبان ۱۳۷۸: ۳۵۵ - ۳۴۱) . در نمونه ، پیکره مردان ، شمشیری کوتاهی بر کمر دارند و نمونه زنان با نقش و نگار است که نشان دهنده زیور آلات است (همان) . در دستان تعدادی از این پیکره ها یک ظرف (یا کاسه) گود با آبریز ناودانی شکل است و آن را در جلوی سینه و صورت گرفته اند و پیکره هایی که ظرف سفالی در دست ندارند، دستها را در صورت و سینه قرار دادند؛ پاهای این پیکره ها بزرگ پهن و شش انگشت دارند (همان) (شماره ؛ ۲۱) . پیکره های انسانی کلورز توپر است و سازندگان آن ، از قسمتهای جنسیتی همچون آلت تناسلی به راحتی گذشته اند و حالت پوشش پیکره های کلورز بیشتر

بدست آمده از لرستان ، حسنلو .. یافت شده اشاره کرد . پیکره های سفالی در نمونه های لرستان دارای بدنی خمیده ای شکل و بزرگ هستند، پاها کوتاه است و سری کوچک دارند و ظرفی با آبریز لوله ای و یا ناودانی در دستان خود دارند(شماره ، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵) ؛ در دو نمونه هم با بدنی خمیده ای بزرگ و پاهای کوچک ، یک ظرف گود و آبریزدار را در بالا جلوی سینه ی و صورت خود نگه داشته است و آلت تناسلی آن را نیز برجسته به آن اضافه کرده اند و در گرده طوق یا گردنبندی دارند(شماره ، ۱۲ و ۱۳) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۷۸، تصویر ، ۶۷) ؛ در نمونه دیگر تقریباً به همین فرم ، اما ظرف آب بدون آبریز را بالا جلوی صورت خود گرفته است (شماره ، ۱۴) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۷۸، تصویر ، ۶۷) . نمونه دیگر از لرستان یافت شده است که دارای بدنه ای استوانه ای و بلند است و پاهای تقریباً کوتاه و سری کوچک دارد و در پشت خود یک دسته حلقوی بزرگ همانند ظروف آب دارد و ظرف آبی را در دستان خود در جلوی سینه نگه داشته است ؛ این پیکره انسانی را با نقش های شطرنجی قرمز رنگ بر زمینه نخودی رنگ تزیین کردند(شماره ، ۱۴) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۷۲) . به طور کل ، این پیکره ها همه عریان هستند و در دستان خود ظرفی دارند ، در ساخت این پیکره ها هم ، نسبت به مارلیک ، از نظر طبیعی ، واقعگرایی کمتری برخوردار است و تاریخ

نمایش می گذارد و دستهای کوچک برجسته ؛ این پیکره با پوسته درخشان قرمز است و امروزه در مجموعه ای خصوصی در نیویورک نگهداری می شود(شماره ، ۷) این پیکره بسیار ابتدایی و سمبلیک ساخته شده است (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۵۱۹ ؛ تصویر ۶۴) . نمونه پیکره توپر گلی دیگری از املش یافت شده که به نمونه های کلورز شبیه است ، این پیکره به رنگ قرمز آجری است و دست ها را بر زیر سینه قرار داده است (شماره ، ۸) ؛ نمونه دیگر پیکره یافت شده در املش به شکل یک انسان چاق و باد کرده است و فرمش از گردن به پایین است و دو دسته ظرف که به شانه و گردن پیکره نصب است که همان دست پیکره است ، پاهای نسبتاً کوتاه و اندازه پاشنه و سینه پا بزرگ است این پیکره به رنگ قرمز آجری است فرم این ظرف همانند یک کوزه است(شماره ، ۹) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۵۱۶ ؛ تصویر ۴۷) ، نمونه ای این فرم در اورارتو و حسنلو یافت شده اند البته به صورت یک چکمه( شماره ، ۱۰ و ۱۱) (تصویر ۴۸ و ۵۹) ؛ پیکره های سفالی در نمونه های مارلیک طبیعی تر و واقعگرایانه تر ساخته شده اند ، در نمونه نصفی و املش (شماره ، ۵ و ۷) از واقعگرایی کمتری برخوردار هستند . نقاط مشترک این پیکره ها ، عریان نشان دادن آنها و حامل آب بودن آنها است ولی این پیکره ها در جزئیات با هم فرق دارند نمونه های آن را می توان در پیکره های

آن به قرون ۷ و ۸ قبل از میلاد بر می گردد(کامبخش فرد ، ۱۳۸۰؛ ۵۱۹ ، تصویر ۷۲) . در خورویین نیز پیکره سفالی توپری یافت شده که در کمر شمشیری دارد ، این پیکره در ساخت ، از پیکره های مارلیک کیفیت خیلی کمتری بر خوردار است و متعلق به آهن «۱» است (شماره ، ۱۵) (واندنبرگ ، ۱۳۸۷: ۱۲۴ لوحه ۱۵۶) ؛ به طور کل تفاوت های پیکره های انسانی مناطق جنوبی دریای کاسپی مخصوصاً پیکره های مارلیک از دیگر نقاط ایران از کیفیت و تناسب بهتری برخوردار است ، از نکات مشترک این پیکره های انسانی اول عریان بودن آنها است ، دوّم ، داشتن قتاله ای در کمر برای پیکره های انسانی نر ( برای اکثریت) و بعد داشتن یک ظرف آبریزدار در دستان. بسیاری از آنها تو خالی و بیشتر شکل یک ظرف را تدایی می کند و این رابطه پیکره ها را با آب نشان می دهد. این نوع از پیکره های انسانی از عصر آهن «۱» در ایران ظهور کرد که می توان نمونه خورویین ، املش که از ابتدایی ترین هستند را نام برد و در عصر آهن «۲» ساخت این پیکره های پیشرفت زیادی کرد و با بعضی از باورهای قومی و محیطی هر منطقه به اوج خود رسیده است و به نظر می رسد که در این زمان در میان اقوام ، منطقه جنوب غرب دریای کاسپی (گیلان) (مارلیک) و منطقه لرستان بیشتر مورد توجه بوده است. پیکره های انسانی که دارای ظرف آبریزدار و یا سوراخ هستند برای شراب

ریزی به کار می رفته است و در جایی دیگر به نظر نگهبان (نگهبان ، ۱۹۶۸: ۱۴۲- وحدتی ، ۱۳۸۹: ۳۴) که این پیکرک ها منظر باروری دارند . موسوی معتقد است که این پیکره ها فقط نسبت های هندسی اند و مفاهیم آیینی و جادویی مربوط عقاید انسانی باستان را به شکل خیالی و اغراق آمیزی بیان می کنند و فرض را بر این نهاده که این پیکره ها از درون قبور کاهنان به دست آمده باشد (موسوی ۱۳۸۰: ۵۱۴؛ وحدتی ، ۱۳۸۹: ۳۴) وحدتی درباره این پیکره ها گفته که شاید این پیکره ها نشان دهنده تقدیم فدیة نوشابه ای در اجرای مراسم ، در این مناطق را نشان می دهد (وحدتی ، ۱۳۸۹: ۳۴) .

#### پیکره ها یا تکوکهای سفالی حیوانات ( چهارپایان و پرندگان )؛ (تصاویر شماره ۲)

پیکره های حیوانی به شکل چهارپایانی مثل گاو ، اسب ، قوچ ، گوزن و پرندگان مثل مرغ و کبک که در محیط زندگی مردمان عصر آهن ایران و مناطق جنوبی دریای کاسپی به فراوانی یافت می شد . در ادبیات باستان شناسی به این فرم و شکل ظروف تکوک یا ریتون می گویند این کلمه (ریتون) در واقع تنها به ظروفی گفته می شود که از آن جریان باریک مایع بیرون آید ؛ این کلمه هم در مورد ظرف هایی به کار می رفته که قسمت پایین آنها از سر جانوری تشکیل شده باشد و سوراخی کوچک در میان لب های حیوان برای جریان یافتن مایع درون تکوک به آرامی

(نگهبان ، ۱۳۷۸) ، گرمابک کلار دشت (فهیمی ۱۳۸۱: ۱۳۳) ، جوبن ، کلشیم ، دیلمان ، پیرکوه ، اشکورات (موسوی ۱۳۸۰: ۵۱۱- وحدتی ۱۳۸۹: ۳۲) ، عمارلو ، کلورز (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۵۲) را نام برد .؛ روی هم رفته ، ۱۷ عدد پیکره سفالی گاو کوهاندار در مارلیک و ۲۹ نمونه در کاوش مارلیک و مناطق مجاورش مثل قشلاق یافت شده است (وحدتی ، ۱۳۸۹: ۳۲) این پیکره گاوهای کوهاندار ، از درون قبور بدست آمده و این پیکره ها توخالی ساخته شده اند و سفالگر روی اندامی مثل کوهان و شاخ آنها تأکید کرده است و آنها را بزرگتر و برجسته تر به صورت اغراق آمیز ساخته است در بعضی نمونه ها آلت تناسلی آنها به نمایش گذاشته شده است پوزه این پیکره ها به صورت یک آبریز روباز طراحی شده است ، در گوش تعدادی گوشواره های حلقه مانند ( تقریباً مشابه نمونه ها هخامنشی ) از طلا آویزان است. در ساخت این پیکره ها از یک ترکیب و هماهنگی یکنواختی استفاده شده و از ظرافت خاصی برخوردار هستند و به رنگ قرمز و ۶ نمونه هم خاکستری هستند و با نقش داغدار تزیین و صیقلی شدند(شماره ، ۱)(نگهبان ، ۱۳۷۸: ۳۶۹) ، (وحدتی ، ۱۳۸۹: ۳۲) ، (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۴۹) . در گرمابک کلاردشت نمونه ای از پیکره گاو نر کوهاندار از داخل یکی از قبور بدست آمد این پیکره متعلق به اوایل هزاره دوم قبل از میلاد است و نسبت به پیکره های سفالی گاو مارلیک ، ابتدایی است و از نمونه های اولیه این پیکره ها محسوب می شود

ایجاد شده باشد(پرادا ، ۱۳۸۶ : ۱۶۴) هنگامی که آریایی ها از آن مناطق اولیه خود مهاجرت کردند ؛ مردمی بودند که ، هم کشاورزی می کردند و هم به وسیله گله داری امرار معاش می کردند و اسب برای این مردم اهمیت فراوانی داشت و از آن استفاده بارکشی و سواری می کردند (لیتون ، ۱۳۸۸: ۳۵۹- ۳۳۳) . در حفاری های باستان شناسی ایران آثار و نقش های زیادی از گاو و اسب از جنس سفال به دست آمده که بعضی نمونه ها به شکل یک پیکره توخالی مثل نمونه های مارلیک (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۴۱۱، ۳۳۶) و بعضی دیگر به صورت نقوش گاو و اسب بر روی سفالینه سیلک B به فراوانی یافت شده است (گریشمن ، ۱۳۸۸: ۹۵ ، ۹۶) . پرورش حیواناتی مثل گاو در ایران در دوره های قبل از آهن نیز مرسوم بوده است و پیکره ها و نقوش گاو بر روی سفالینه های بدست آمده (علیزاده ، ۱۳۸۳: ۱۴۶) ، (شماره ، ۱۶ ، ۱۷ و ۱۸) نشانگر اینکه از گذشته رسم بیلاق قشلاق در میان مردمان گالش وجود داشته تا گاوها علف های تازه بخورند، امروزه نیز گاوداران این مناطق این سنت دیرینه را انجام می دهند و این گاوداران (گالشها) نمونه زنده و عینی آن مردمان و گاوداران عصر آهن هستند(عیسی پور ، ۱۳۸۸: ۲۱- ۳۶) . در مناطق جنوبی دریای کاسپی پیکره های زیادی از گاوهای سفالی کوهاندار(ورزا) در محوطه های عصر آهن بدست آمد که به کمال پیشرفت خود رسیده بود . از محوطه هایی که پیکره سفالی گاو (تکوک) از آن یافت شده است می توان مارلیک



نیز از عمارلو به دست آمد که بر روی کوهان آن بسیار زیاد تأکید شده است و آن را بزرگ و پهن ساخته اند تا آنجا که کوهان به طرف پشت حیوان انحنا پیدا کرده است، سر پیکره کوچک و تقریباً سمبلیک و شاخهای کوتاه، پاهای کلفت و توپر و نیرومندی دارد، بدنی استوانه ای پهن دارد (شماره ۶)، (خلعتبری ۱۳۹۲: ۲۴۹؛ ۳۰۲). فرم این پیکره سفالی گاو باز سمبلیک است تا جایی که سفالگر بیش از حد بر کوهان و پاهای گاو تأکید کرده است و به نظر می رسد که همه قدرت گاو را در کوهان و پاها خلاصه کرده است، ظرافت و فرم این پیکره نسبت به دیگر پیکره ها مخصوصاً مارلیک کمتر است. نمونه دیگر پیکره به دست آمده از عمارلو، گاو کوهاننداری است که دارای چهار چرخ در پاهاست، این گاو هم دارای بدنه ای استوانه ای، کوهان بزرگ و سر کوچک با پوزه ای شبیه به آبریز روباز است؛ شاخهای هلالی و نسبتاً کوچک دارد و گوشواره ای در گوش آن آویزان است (شماره ۷) (محمودی عالمیان و قاسمیان، ۱۳۸۹: ۲۲۲)؛ این پیکره قابل مقایسه با پیکره مفرغی گاو کوهاندار مارلیک (نگهبان، ۱۳۷۸: ۴۲۰) است که دارای چهار چرخ است. از منطقه املش یک پیکره سفالی گاو توخالی به دست آمد که به رنگ خاکستری تیره است، دارای بدنی نسبتاً گرد است، گردنی کلفت و باسری کوچک که به چشم نمی آید و با شاخهای بزرگ و پیچ خورده که روی آن تأکید شده است و بدون کوهان است، در پشت آن دهانه ای تعبیه شده

(شماره ۲) (فهیمی ۱۳۸۱: ۱۳۳). در کلورز در دره سفیدرود در نزدیکی تپه مارلیک از درون قبور تعدادی پیکره های سفالی گاو نر بدست آمد که یک نمونه آن دارای بدنی مستطیلی و درازی است، پاهای عقبی کوتاه ولی پاهای جلو بلندتر است، کوهانی مثلثی شکل و بزرگ و با نوکی دراز خم شده که بر روی آن تأکید شده است، سر و شاخ های آن کوتاه و پوزه همانند یک آبریز ناودانی شکل است و گوشواره ای در گوش (شماره ۳)، این پیکره دارای رنگ نارنجی و آجری روشن است، کاوشگر آن را مربوط به اواخر هزاره دوم می داند (خلعتبری ۱۳۹۲: ۲۴۹). نمونه دیگر از کلورز هم دارای کمری باریک و کوهانی مثلثی، گردنی قطور و سری کوچک با شاخهای کوچک و گوشواره های در گوش و پوزه ای ناودانی شکل است (شماره ۴) (خلعتبری ۱۳۹۲: ۲۴۹) این نمونه با نمونه های مارلیک و نسبت به نمونه قبلی شبسباهت بیشتری دارد. رویهمرفته این پیکره ها در فرم و شکل با پیکره های مارلیک تفاوت هایی دارد، ولی از یک اصل پیروی کرده است یعنی توخالی بودن، کوهان بزرگ، پوزه ای شبیه به آبریز، هدف از ساخت آنها کاربرد آیینی و آب بوده و دارای تقدس است. در عمارلو نمونه ای از پیکره سفالی گاو نر (ورزا) بدست آمده که با پیکره های سفالی گاو نر کوهاندار مارلیک بسیار مشابه است (خلعتبری ۱۳۹۲: ۲۴۹) و فقط در رنگ تفاوت دارد (شماره ۵) و دوم، پیکره های مارلیک از نظر ترکیب و ظرافت و هارمونی بالاتر هستند. پیکره گاو کوهاندار دیگری

ها دو پیکره توخالی گاو است که شکل و فرم آنها واقع‌گرایی و طبیعی است. در نمونه اول، دارای بدنه ای استوانه ای و پخ و کشیده است، کوهانی پهن و نه چندان بزرگ (طبیعی) در پشت دارد، گردن پهن و سرهمانند سر گاو طبیعی به نظر می‌رسد، دهانی باز دارد، پاهایی استوانه ای و نسبتاً کوتاه است؛ این پیکره نسبت به دیگر پیکره های یافت شده در جنوب دریای کاسپی بسیار طبیعی ساخته شده است (شماره، ۱۰) (ماهفروزی، ۱۳۸۴: ۱۶) (Mahfroofi and Piller, 2009:198). نمونه بعدی که بسیار آسیب دیده است دارای بدنی کشیده و پهن همانند یک گاو طبیعی است، گردن و سری کوچکتر دارد، پوزه در جلو لوله ای می‌شود، شاخها نسبتاً کلفت و بزرگ و پاهای استوانه ای و هم اندازه جسته پیکره گاو طراحی شده است (شماره، ۱۱) (ماهفروزی، ۱۳۸۴: ۱۶) (Mahfroofi and Piller, 2009:198). نکته دیگر درباره این پیکره ها مکان یافت شده آنهاست که درون چاله آشغالی (پیت) از دوران عصر آهن بدست آمده است (ماهفروزی، ۱۳۸۴: ۱۵) و این نشانگر اینکه این پیکره ها دارای کارکرد دیگری بودند مثلاً برای تزیین یا برای بازی کودکان یا در مراسمات و جشنهای آیینی. در خارج از مناطق جنوبی دریای کاسپی در ایران پیکره های سفالی گاو نیز بدست آمده؛ از نمونه های یافت شده می‌توان به پیکره ای سفالی اشاره کرد که از لرستان بدست آمده و کامبخش فرد معتقد است که پیکره یک بز کوهی

است، برای ریختن مایعات درون ظرف به کار می‌رفت، سفالگرخواستار این دهانه وردی بجای کوهان حیوان باشد و هم کار دهانه را انجام دهد (شماره، ۸) (خلعتبری ۱۳۹۲: ۲۴۹)، پاهای این پیکره گاو کوتاه است و با دیگر نمونه ای یافت شده تفاوت دارد، سازنده بیشتر، ظرف بودن سفال مد نظرش بوده است. نمونه دیگر از پیکره های یافت شده از املش پیکره ای است با بدنی استوانه ای و کلفت و دارای گردنی کلفت و پهن است و کوهان بزرگ و برجسته ای روی گردن دارد، سری کوچک با شاخهای کمانی کوچک و دارای پوزه استوانه ای کوچک و بسته است، دهانه یا حفره ای در بالای سر، پشت شاخها ایجاد شده که احتمالاً برای ریختن مایعات درون ظرف به کار می‌رفت پاهای این پیکره کوچک است و رنگ پیکره قرمز مایل به قهوه ای با پوسته درخشان است، این پیکره با پیکره های مارلیک در شکل و فرم تفاوت دارد، پوزه این گاو سفالی بسته است و بجای آن دهانه ای در بالای سر ایجاد شده است سر و شاخ و گردن حیوان را اگرچه با ترکیبی عظیم ساخته ولی روی تناسب و قواعد و اصول زیبایی شناسی شکل داده است (لوحه، ۷۲- شماره، ۹)؛ این پیکره را متعلق به هزاره اول قبل از میلاد می‌دانند (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۵۱۷). از گوه‌رتپه از درون چاله آشغالی (پیت) چندین پیکره سفالی از جنس سفال قرمز به دست آمد که جنس گل آن بسیار مرغوب و خوب ورز داده و پخته شده بودند (ماهفروزی، ۱۳۸۴: ۱۶). در میان این پیکره

است که همانند سر بریده گاوی است و متعلق به دوره ماد هخامنشی است (شماره ، ۱۴) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: تصویر ۱۰۹). تکوک سفالی نیز از سر گاو از شرق گیلان به دست آمد که سر گاو با شاخ کمانی و از گردن حیوان نیز پیچی به بالا گره خورده و به جام ختم شده است این جام متعلق به دوره هخامنشی است (شماره ، ۱۵) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ، ۱۰۷). در دوره هخامنشی ، در تخت جمشید ما نقشهای بسیاری از ، گاو را می بینیم ، که می توان سرستون های گاوی شکل را نام برد که بسیار زیبا از سنگ تراش داده شده است (شماره ، ۱۹) و یا نقش حمله شیر به گاو ، که سمبلی است از گرما و سرما یا تابستان و زمستان که گاو زمستان و سرما است و شیر تابستان و گرما است که با آمدن تابستان و گرما، زمستان که گاو نر است می رود (ماری کخ ، ۱۳۸۵: ۲۳۰). در پایان می توان نتیجه گرفت ؛ گاوهای سفالی در مناطق جنوبی دریای کاسپی در اواخر هزاره دوم (آهن ، ۲) ، توسط سفالگران این منطقه ساخته می شده است و احتمالاً بعضی نمونه ها مثل نمونه گرمابک ( شماره ، ۲) و بعضی نمونه قبرهای مارلیک از نمونه های قدیمتر و آن به اواخر آهن «۱» نیز نسبت داد . نمونه این ظروف در کول تپه ، آسیای صغیر در هیبت یک شیر یافت شده است که توسط آکورگال به قرن هجدهم پیش از میلاد تاریخ گذاری شده است (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۳۶۶). نمونه دیگر که در تالش در کشور آذربایجان یافت شد ، توسط شیفر به سالهای ۱۵۰۰ - ۱۴۰۰ قبل از میلاد

است ولی بیشتر شبیه به یک گاو است ؛ این پیکره به رنگ زرد و نخودی با نقوش قهوه ای و خطوط زیگزاگ است ، بدنه ای استوانه ، گردنی قطور و ستبر و پاهای لوله و به صورت طبقه ای دارد ، سری کوچک و شاخ های هلالی و کلفت بزرگ دارد ، دهانی مکعبی شکل و دراز دارد در جلوی سینه دهانه ای همانند دهانه ظرفی تعبیه شده است (شماره ، ۱۲) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۸۲) مثل نمونه املش (شماره ، ۸) ، با این تفاوت که این پیکره در جلوی سینه خود دارای دهانه ای است و نمونه املش در پشت خود این دهانه را دارد ولی به طور کل این دو پیکره از نظر فرم وساخت با هم تفاوت زیادی دارند ؛ این پیکره سفالی به سده هشتم پیش از میلاد تعلق دارد و با هم جنس های قدیمتر خود در در مناطق شمالی ایران تفاوت های زیادی دارد که هم در شکل و فرم است و هم در رنگ و نقوش. یک نمونه ظرف سفالی در قالب گاوی از منطقه اردبیل کشف شده است که دارای بدنه ای ، تقریباً مکعبی شکل و سینه ای ستبر گردنی گرد باریک ، سری کوچک و لوله ای شاخهای کمانی شکل دارد ؛ بر پشت حیوان ، یک دهانه بلند ورودی مایعات ، به شکل شیپوری تعبیه شده است ، بر دور گردن این گاو یک نقش خطی به همراه برگهای مثلثی شکل تزیین شده است ؛ این گاو به حالت نشسته طراحی شده است (شماره ، ۱۳) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۵۲۳: تصویر ۱۰۳). نمونه ای از تکوک سفالی از سر گاوی در شمال غرب ایران کشف شده

سواری و جنگ استفاده می کردند (لیتون ، ۱۳۸۸):  
 (۳۳۷) . در سرزمین ایران مجسمه های و نقش های  
 زیادی از اسب پیدا شده که متعلق به دوران های  
 مختلف است. جنس این مجسمه ها یا پیکره ها  
 (تکوک) از سفال یا فلز است . در سیلک B نقشهای  
 فراوانی از اسب بر روی سفال دیده می شود (شماره  
 ، ۱) که به عصر آهن «۳» مربوط است (گريشمن ،  
 ۱۳۸۸: ۹۵ ؛ سودایی ، ۱۳۸۲: ۸۰) . در مناطق  
 جنوبی دریای کاسپی اسب های بومی زیست می  
 کردند که دارای جسته ای کوچکتر از دیگر اسب ها  
 بودند (دست افشان و میریان ، ۱۳۸۱: ۴۷) این اسبها  
 در ایران با نام اسبهای خزری شناخته می شود. در  
 مناطق جنوبی دریای کاسپی تعدادی پیکره های  
 سفالی اسب یا قاطر پیدا شده که می توان پیکره ها  
 سفالی اسب از مارلیک را نام برد (نگهبان ، ۱۳۷۸:  
 ۳۹۵) ؛ دو عدد پیکره قاطر؟ از مارلیک بدست آمده  
 که بر دوش خود بار حمل می کنند ( شماره ، ۲)  
 (همان) . این فرم پیکره سفالی قاطر؟ از منطقه املش  
 نیز به دست آمد (شماره ، ۴) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰:  
 ۵۲۰ تصور ۷۵) . نمونه دیگر هم یک جفت اسب یا  
 قاطر؟ گردونه سوار را نشان می دهد (شماره ، ۳) ،  
 زیر پاهای این جفت اسب ها چرخ هایی تعبیه شده  
 است که تداعی کننده یک ارابه چرخ دار است ، پوزه  
 این حیوانات هم مخروطی شکل است و رنگ قرمز  
 آجری است این دو اسب به هم جسیده کاملاً شبیه

تاریخ گذاری شده است . آنچه که در مناطق جنوبی  
 دریای کاسپی دیده می شود ساخت این پیکرها در  
 آهن «۱» شروع شد و در عصر آهن «۲» به اوج  
 شکوفایی خود رسید ؛ ولی به نظر می رسد که بعد  
 عصر آهن «۲» این سنت تغییر پیدا کرده و سبک های  
 دیگری جای آن را گرفته است مثل تکوکهای که از  
 سر حیوان ساخته شده است و با پیچی به بالا به  
 جامی ختم می شود . ساخت این گونه پیکره های  
 سفالی همچون مارلیک ، کلورز و املش و دیگر  
 نقاط شمال کشور در دیگر نقاط ایران مشاهده نشده  
 است ( موسوی ۱۳۸۰: ۵۱۱- وحدتی ۱۳۸۹: ۳۲) در  
 آئین مهر نیز گاوی را برای رستگاری جهان فدا می  
 کند و از اعضا و خون و نطفه آن حیوانات و گیاهان  
 و جانوران گوناگون پدید می آید (پورداد ۱۳۷۸:  
 ۱۱۸- وحدتی ۱۳۸۹: ۳۲) . در باور های دینی ایرانیان  
 باستان گاو ( گاو نر = ورزا ) حیوانی مقدس و  
 سودمند است. نگهبان معتقد است که پیکره انسانی  
 مارلیک احتمالاً نمادهای باروری است (نگهبان ،  
 ۱۹۶۸: ۱۴۲- وحدتی ۱۳۸۹: ۳۲) .

### پیکره های سفالی اسب (تکوک)، (تصاویر شماره ۳)

در عصر آهن، اسب ، یکی از عوامل پیشرفت و رشد  
 جامعه این دوران بوده و قدمت استفاده از اسب به  
 قبل از این دوران بر می گردد. اقوام هندو اروپایی از  
 اسب قبل از مهاجرت یا ورود به درون سرزمین ایران  
 استفاده می کردند. آنها از اسب هم در بارکشی و هم

به هم هستند، این پیکره ها تو خالی و مجوف هستند و حالت سمبلیک دارند و شاید اسباب بازی برای کودکان بوده است (نگهبان ۱۳۷۸: ۳۹۹). در منطقه املش نیز پیکره های اسب و قاطری به دست آمد، پیکره قاطر به دست آمده بسیار شبیه نمونه های مارلیک است (شماره ۴، ۵). این پیکره قاطر بر دوش خود، باری را حمل می کند و پاهایش کوتاه است گوشی پهن دارد و پوزه حیوان همانند آبریز روباز است، این سفال دارای رنگ قرمز با پوسته درخشان است (کامبخش فرد ۱۳۸۰: ۵۲۰). قاطر با بار، یعنی رفتن و کوچ کردن، تمثیلی است از کوچ این گاوداران به یلاق و قشلاق که برای چرای بهتر دام هایشان انجام می گرفته است. نوعی دیگر از پیکره اسب از املش بدست آمد که دارای سینه ای ستبر و کپلی بزرگ است، پاهای استوانه ای کوتاه و گردن کوتاه دارد و سری مخروطی شکل دارد و یالی زیبا بر پشت گردنش تعبیه شده است و بر روی کپل حیوان یک دهانه ای شیپوری شکل برای ریختن مایعات تعبیه کردند، در دم حیوان سوراخی را هم برای خروج مایعات تعبیه کرده اند (شماره ۵)، همانند ریتون یونانی (پرادا ۱۳۸۶: ۱۶۴)، در پایین این نوع ظروف دارای سوراخی هستند؛ رنگ این سفال قرمز شتری با نقوشی است، این اسب به سبک اسب های ایرانی است (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۳۶۹، ۳۶۹)، از نظر ساخت قاطرها (یا اسب) مارلیک از کیفیت

و جذابیت بیشتر و بهتری برخوردار است. پیکره اسب در گوهرتپه در منطقه جلگه ای غرب مازندران؛ این پیکره درون چاله آشغالی پیدا شده است که به رنگ قرمز آجری است، دارای بدنی استوانه ای و پاهای لوله ای شکل بودند، گردن پهن و بلند دارد، سری مستطیل شکل، بر روی بدن و سر دهان اسب، دهانه و مهار تعبیه شده است و تسمه ای پهن دور کمر و تسمه ای نازکتر روی گردن نصب شده است (شماره ۶، ۷) (ماهفروزی، ۱۳۸۴: ۱۵؛ 2009, Mahfrouzi and Piller : 198). پیکره های سفالی (تکوک) اسب در خارج از مناطق جنوبی دریای کاسپی در ایران نیز به دست آمد. پیکره ی اسبی منسوب به ماکو موجود است که دارای گردنی استوانه ای و پهن ستبر دارد و سری کوچک با یالهای در پشت گردن تا سرپیکره ایجاد شده است، پاهای کوتاه و برجسته ای دارد، بر پشت پیکره دهانه ای شیپوری شکل نصب شده است همانند کوزه ها برای ریختن مایعات به درون ظرف است. نکته جالب در مورد این پیکره سفالی نقوش روی بدن این ظرف حیوان نما است که بسیار جالب است؛ این نقوش بر روی روپوش که روی اسب گذاشته شده است کشیده شده است (شماره ۷) (واندنبرگ، ۱۳۷۸: ۲۵۷، ۱۱۹؛ کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۳۶۹). این نقوش عبارتند از یک پلنگ؟ (یا سگ) را نشان می دهد و پرندگان را در اطراف آن،

۵۲۳ تصویر ۱۱۰). این پیکره اسب شبیه به پیکره اسب یافت شده در ماکو است، اسب منسوب به املش هم مقداری به این پیکره ها شبیه است ولی با نمونه های مارلیک تفاوت های زیادی دارند، نمونه های مارلیک و املش (به جزء یک نمونه) ابتدایی تر ساخته شده اند و قرمز رنگ و بدون لعاب هستند. پیکره اسب گوهر تپه نسبت به مارلیک طبیعی تر است و سفالگر خواسته حالت اسب را بهتر نشان دهد. در نقوش روی سفالهای سیلک B (سودایی، ۱۳۸۲: ۸۰) که به آهن «۳» تعلق دارد (گریشمن، ۱۳۸۸: ۹۵)، نقوش اسب به فراوانی دیده می شود که شباهت های به پیکره های اسب ماکو، دهکده پیش از هخامنشی و املش (شماره ۵) دارند. به نظر می رسد که این پیکره ها نسبت به دیگر پیکره های معرفی شده از مارلیک، املش و گوهر تپه جدید تر باشند. باز از شمال غرب ایران پیکره یا تکوک اسبی به دست آمده که دارای بدنی به شکل دو گردی به هم چسبیده است که در روی یکی از بدنه های گرد که سینه اسب محسوب می شود، سر دو اسب قرار دارد و افسار دو اسب هم بر زیر گردنشان چسبیده است، بر زیر سینه اسب دو سوراخ ایجاد شده است، برای عبور مایعات از آن، در وسط کمر اسب ها (مابین دو بدنه گرد) یک دهانه شیپوری شکل نصب شده است. برای ریختن مایعات به درون ظرف و از لبه دهانه یک دسته ی لوله ی به پشت اسب متصل

در روی گردن این حیوان دو علامت نقش شده است که یکی هال ماه و دومی به نظر می رسد نقش ستاره باشد، این علامت در دوره های بعد در روی سکه های اشکانی و ساسانی و بسیاری از نقوش دیگر به فراوانی یافت می شود (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷: ۹۵) از دیگر نقوش این اسب نقش یراق و دهانه اسب است. این پیکره از گل پخته به رنگ زرد مایل به قهوه ای بود و نقوش آن به رنگ قرمز و زرد و سیاه است؛ این پیکره از یک طرف با ظروف هم نوع خود در هنر هیتی ها شباهت دارد و از سوی دیگر شبیه به ظروف مکشوفه در شوش که متعلق به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد است؛ از داده های این پیکره نمد است که نشان می دهد این نوع زیرانداز از عصر آهن مورد استفاده ایرانیان بوده است (واندنبرگ، ۱۳۷۸: ۲۵۷، ۱۱۹؛ کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۳۶۹). در شوش نیز، در شهر صنعتگران در دهکده ای قبل از هخامنشی، پیکره اسبی یافت شده است که متعلق به قرن هفت قبل از میلاد است، (شماره ۸). بر روی بدن این اسب نقوشی به شکل روانداز و زین یراق و زره ای نمدی بر سینه اسب دیده می شود نقوش روی نمد، شکل حیوانات و پرندگان را به صورت خطوط و لکه های ایجاد شده است، رنگ سفال و نقوش آن، زمینه زرد (یا نخودی رنگ) مایل به قهوه ای روشن و نقش قرمز شرابی است (واندنبرگ، ۱۳۸۷: ۲۵۲؛ کامبخش فرد، ۱۳۸۰:

منتهی می شود؛ این تکوک گوزن را متعلق به دوره ماد و مانایی می دانند (لوحه ، ۷۴- شماره ، ۴)، (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: تصویر ، ۱۰۵) .

است این تکوک سفالی به رنگ قهوه ای است دارد (شماره ، ۹؛ کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: تصویر ۱۱۲).

### گوزن (تصاویر شماره ۴)

گوزن از حیواناتی است که در جنگلهای شمال ایران زیست می کند (شماره ۵) در مالیک پیکره‌هایی به شکل گوزن (اشکارورزا) یافت شده است (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۳۹۰) با شاخ های بزرگ و شاخه شاخه ، بدن و گردنی استوانه ای و کشیده و پاهای کوتاه و پوزه ای ناودانی روباز و در موردی دیگر پوزه ای استوانه ای با شکافی به جای دهان است ، رنگ سفالی این پیکره ها قرمز هستند، پشت و کپل گوزنها مدور و بزرگ نمایش داده شده است (شماره ، ۲۱)، (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۳۹۰). از عمارلو پیکره سفالی گوزنی یافت شده که دارای بدنی گرد و استوانه ای شکل است و گردنی لوله‌ای و سری کوچک با پوزه ای استوانه ای دارد شاخهای بزرگ و شاخه شاخه شده دارد، بر بالای سر مابین دو شاخ دهانه ای تعبیه شده است که احتمالاً برای ریختن مایعات به درون تکوک ، و در مراسم مذهبی و آیینی استفاده می شد (شماره ۳)، (فهیمی ، ۱۳۸۱: ۱۵۳) . نمونه دیگر از تکوک سفالی است که از شمال ایران یافت شده است که سر یک گوزن است ، حالت سمبلیک است دارای دو شاخ با شاخکهای منفرد همانند گوزنها است که به رنگ قرمز آجری است ، گردن حیوان به جامی

### بز و قوچ (تصاویر شماره ۵)

بز وحشی از حیواناتی است که در کوههای البرز زیست می کند ( شماره ، ۱۶ و ۱۷) . از مارلیک نمونه هایی از پیکره بز و قوچ با شاخهای کمانی و پیچ خرده کمری باریک و کپلهای بزرگ ، گردنی ستبر و کلفت و پاهای استوانه ای کوتاه بدست آمده است. پوزه‌هایشان به دو شکل استوانه ای با شکافی بجای دهان است و نمونه هایی هم دارای پوزه ای به شکل آبریز روباز است ، فرم این پیکره ها شبیه به فرم پیکره های گاوهای سفالی است ، رنگ این پیکره ها قرمز است (شماره ، ۲۱)، (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۴۰۱) . در کلاردشت پیکره ها (تکوک) سفالی به شکل بزهای کوهی بدست آمده که حالتی نشسته دارند ، این پیکره ها دارای بدنی استوانه ای و پاهای جمع شده و گردن و سری نسبتاً کوچک و شاخهای کمانی و بلند دارد ، بر کفل حیوان دهانه ای برای ریختن مایعات تعبیه شده است ، رنگ سفال قهوه ای سوخته است (شماره ، ۳)، (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۸۲) . نمونه دیگر دارای بدنی گرد و چهار پایه استوانه‌ای کوچک به جای پاها ، گردنی پهن و سری کوچک با پوزه ای لوله ای شکل دارد. دهانه ای در

سفالی به رنگ خاکستری درخشان است (شماره ، ۸) (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۷۱) . در خارج از این مناطق در شمال غرب ایران نیز نمونه هایی از این پیکره های سفالی یا تکوک بدست آمد ؛ پیکره بزی از آذربایجان بدست آمده که دارای بدنی استوانه ای و کپلی بزرگ است ، پاهای کوتاه و نازک دارد گردنی ستبر و سری طبیعی دارد ، شاخهای کمانی و بزرگ دارد که دارای دندانهای است ، حالت این پیکره بسیار طبیعی است (شماره ، ۹) ، (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۵۱۹ ، تصویر ۷۰) . در نمونه های دیگر در این منطقه ، پیکره های (تکوک) سفالی قوچ هایی یافت شده است که دارای بدنی مستطیلی شکل هستند ، گردنی کشیده و پاهای استوانه ای و نسبتاً بلند دارند ، همچنین سری کوچک با شاخ های پیچ خرده دارند و پوزه یکی ناودانی شکل و دیگری لوله ای شکل است ، بر روی کمر این پیکره ها ، دهانه های شیپوری شکل نصب شده است که برای ریختن مایعات به درون تکوک (ریتون) کاربرد داشت ، رنگ این سفالینه ها قرمز درخشان است (شماره ، ۱۰ و ۱۱) ، (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۵۲۰ ، تصاویر ۷۷ ، ۷۶) . از زیویه نیز تکوک سفالی بدست آمد که به شکل غزال است با شاخهای کمانی و کوچک که به سرش چسبیده است ، از گردن حیوان پیچی به بالا خرده وبه جام بزرگ و گشاد ختم می شود ، تاریخ این تکوک به سده هفت و هشت ق.م برمی گردد)

روی شانه پیکره برای ریختن مایعات به درون تکوک ایجاد کرده اند ، روی بدنه تکوک نقشهای کنده ایجاد شده است ، رنگ پیکره قرمز است (شماره ، ۴) ، (کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۵۱۹) . نمونه های دیگر تکوک های سفالی به دست آمده از کلاردشت ، به شکل سر بزی و آهو (شماره ۶ و ۵) است که از گردن پیچی به بالا خورده و به جامی بزرگ و شیپوری شکل ختم می شود ؛ در نمونه بزی دارای شاخ بزرگ است که از پشت سر حیوان به لبه جام متصل شده است (شماره ، ۵) ، (فهیمی ، ۱۳۸۱: ۱۵۳) . نمونه دیگر پیکره یا تکوک سفالی قوچ از منطقه گیلان یافت شده است که بر روی چهار چرخ سوار است ؛ این پیکره قوچ دارای بدنی مکعبی شکل است که گردنی قطور و سری نسبتاً متناسب دارد ، شاخ های پیچیده و پوزه ای استوانه ای که آبریز ظرف است ، بر پشت پیکره دهانه ای بلند و استوانه ای برای ریختن مایعات به درون ظرف تعبیه شده است و دو جفت چرخ در پاها نصب شده است ، رنگ سفال خاکستری تیره است (شماره ۷) ، (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۵۰) ؛ این تکوک شبیه به تکوک گاو از املش است . نمونه ای از تکوک سفالی قوچ از املش به دست آمده که دارای بدنی هندوانه ای شکل و باد کرده است سری کوچک با شاخ های پیچ خرده است ، سه پایه استوانه ای در پایین بدنه دارد و دهانه ای شیپوری شکل در روی بدنه نصب است ، این ظرف



شماره ۱۲)، کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۵۲۳، تصویر (۱۰۴). از نمونه های دیگر تکوک سفالی یافت شده از زیویه تکوکهای سر قوچ، پلنگ؟، و آهو است که فقط سر و گردن حیوان است بدون هیچ پیچی در گردن؛ رنگ سفال این پیکره ها زرد آجری است (شماره ۱۳ و ۱۴ و ۱۵)، (شیخی، ۱۳۹۳: ۸۵، ۱۶۳)؛ این نوع تکوک های سفالی در دوره های بعدی، هخامنشی و اشکانی و ساسانی مورد استفاده قرار گرفته است (ماری کخ، ۱۳۸۵: ۲۱۰)

#### پیکره خرس (تصاویر شماره ۶)

از مارلیک دو نمونه پیکره خرس نر و ماده ای یافت شده است که هر دو به حالت نشسته طراحی شده اند و روی آلت تناسلی آنها تأکید شده است (نگهبان، ۱۳۷۸: ۴۰۶) این پیکره ها دارای بدنی چاق و دست و پای باز با انگشتان دست، سری گرد با جزئیات هستند؛ پوزه خرس ماده ناودانی شکل است و پوزه خرس نر مثلثی شکل و بسته است با دهانی باز؛ بر روی سینه خرس نر یک آبریز روباز تعبیه شده است هر دو پیکره دارای رنگ قرمز آجری هستند (شماره ۱). خرس حیوانی است بومی منطقه شمال کشور که در جنگلهای انبوه و کوهستانهای البرز زندگی می کنند (شماره ۲)، (ریاضی، ۱۳۸۰)

#### پیکره پلنگ (تصاویر شماره ۶)

از گورستان باستانی مارلیک پیکره پلنگی از قبر شماره ۳۶ بدست آمده (نگهبان، ۱۳۷۸: ۴۰۹) که بسیار منحصر به فرد است، دارای فرم بدنه عجیبی است؛ بدنی لوله ای و گردنی لوله ای و کلفت دارد و با پاهای کوتاه و سرگرد با گوش و دهان است. یک دم پیچ خورده در باسن خود دارد، در سینه یک آبریز ناودانی شکل نصب شده است و سفالگر روی بدن پیکره سوراخ های ریزی و نقطه ای ایجاد کرده است تا نشان دهد که یک پلنگ است (لوحة، ۷۶- شماره ۳)، (نگهبان، ۱۳۷۸: ۴۰۹). پلنگ از حیواناتی است که بومی مناطق جنوب دریای کاسپی است که امروزه هم تعداد زیادی در این جنگلها زیست می کنند (شماره ۴، ۴).

پیکره یا تکوک سفالی پرندگان (تصاویر شماره ۷) پیکره های سفالی متعددی از پرندگان ویژه در عمارلو، رودبار، تالش، کلا دشت بدست آمده است؛ ساخت این پیکره ها از نظر کیفیت با نمونه های انسانی و حیوانی قابل مقایسه نیستند (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲۵۳). این پیکره ها عمدتاً شامل مرغ، خروس، اردک، مرغان ماهی خوار، کبک، تیهو، عقاب، گنجشک .... است (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲۵۴). در کلاردشت تکوک سفالی به دست آمده که همچون مرغ سر بریده است با گردنی مقعر و لبه های کلفت و به بیرون برگشته دارد؛ در سینه مرغ

پیکره پرنندگان دو خروس (یا مرغ) است که با پلی به هم چسبیده اند و در مرکز پل دسته ای خیاری شکل تعبیه شده است؛ این ظرف سفالی از رودبار به دست آمد (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲۵۴). پیکره ها دارای بدنی شبیه به کفش هستند و کفی صاف دارند، بالای سر خروسها دهانه‌های ورودی ظرف است که سطوح بیرونی آن با خطوط نقطه چین تزیین شده است تا به تاج مرغ یا خروس بیشتر شبیه شود، این دهانه برای ریختن مایعات به درون ظرف کاربرد داشت. شکل کلی این دو پیکره شبیه به یک جفت کفش است، در دم این خروس ها؟ زنگله هایی آویزان است (شماره ۴). در کاوشهای گورستان عمارلو که متعلق به عصر آهن ۱ (۲ است؛ پیکره یا تکوک سفالی یافت شد که شبیه به بلدرچین است و امروزه در موزه ملی نگهداری می شود؛ این پیکره دارای بدنی چاق به شکل ربع دایره دارد، دو عدد پایه استوانه ای شکل و کوچک در کف خود دارد و دمی برجسته کوچک دارد، گردن پرنده کوتاه و سری کوچک با نوکی کوتاه دارد، این پیکره سیاه رنگ است، در زیر گلو سوراخی است که احتمالاً برای ریختن مایعات به درون ظرف کاربرد داشته است (شماره ۵)، (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲۵۴). در نمونه دیگر که از عمارلو به دست آمده، دارای بدنی هندوانه ای شکل است و سه پایه استوانه ای کوچک در کف خود دارد، دم برجسته و گردنی کوتاه و

سر بریده سوراخی ایجاد شده برای جریان آرام مایعات به بیرون برای استفاده در مراسم مذهبی و جشن ها. رنگ سفال نخودی با نقوش افزوده که به شکل خطوط و نوارهای پهن است، این تکوک از ابتدایی ترین تکوک های سفالی است (شماره ۱)، (فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۵۳). از عمارلو نمونه ای از تکوک سفالی بدست آمده که به شکل یک کبک طراحی شده است؛ بدن این کبک بادامی شکل است و دارای دو پا در کف و بسیار ساده طراحی شده است، در قسمت پایین بدنه نیز سوراخی در آن تعبیه شده است که احتمالاً برای جریان روان مایعات از آن؛ این سفال نخودی رنگ است (شماره ۲)، (فهیمی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). در آثار منسوب به املش به پیکره پرنده ای بر می خوریم که در موزه ملی موجود است؛ به نظر می رسد که این پرنده به شکل یک کلاغ باشد، این پیکره بدنی بادامی شکل دارد، گردنی لوله ای و دراز با منقاری بلند که آبریز ظرف است و دهانه ظرف به صورت حفره ای روی سر پرنده تعبیه شده است؛ پاهای پرنده تقریباً قیفی شکل به صورت وارونه است که در قسمت قدامی به دو قسمت تقسیم می شود که به جای پاهای پرنده است؛ چشمان پرنده هم با دایره های برجسته ای نشان داده شده است بال پرنده هم با خطوطی معین شده است جنس سفال این تکوک نخودی رنگ است (شماره ۳)، (خلعتبری، ۱۳۹۲: ۲۵۴). از دیگر نمونه های

این سفال زرد شرابی است (شماره ، ۸)، (واندنبرگ ۱۳۸۷: ۲۶۲، ۱۳۳). از خورون درون گورها ، که متعلق به عصر آهن «۱» است چندین عدد پیکره سفالی پرنده از سفال خاکستری رنگ به دست آمد که با نمونه های عمارلو ، مریان ، تالش قابل مقایسه است. این پیکره پرندهگان معمولاً دارای بدنی بادامی شکل هستند و سر و گردنی کوچک دارند ، و در پایین شان پایه های کوچکی نصب است (واندنبرگ ۱۳۸۷: ۱۲۳). در روی بدنه با نقوش برجسته راه راه تزئین شده است ، در گردن یک نمونه زنگوله ای با نقوشی روی آن ، آویزان است ( شماره ، ۹ ، ۱۰ و ۱۱) فرم این پرندهگان همانند نمونه های یافت شده در شمال ایران بیشتر به صورت سمبلیک است. از زیویه نیز ظروفی سفالی به شکل پرنده هایی بدست آمد که شبیه به یک پرنده آبی به نام «دارغاز» است ، این پرنده دارای بدنی بادامی شکل است ، گردنی دراز و سری کوچک و نوکی بلند دارد ، بر پشت این پیکره های سفالی پرنده دهانه هایی شیپوری شکل تعبیه شده است ، احتمالاً برای ریختن مایعات به درون ظرف سفالی کاربرد داشته است ؛ جنس سفال این پیکره یا تکوک ، آجری رنگ است و روی بدنه آن نقوشی با خطوط سفید رنگ ایجاد شده است ، این پیکره در موزه ملی ایران نگهداری می شود و نمونه دیگر آن در موزه لوور نگهداری می شود (شماره ، ۱۲) ، ( شیخی ، ۱۳۹۳: ۱۶۱، ۸۵). این

سری کوچک با جزئیات دارد ، در محل اتصال سر به گردن دارای یک طوق است . در پشت پرنده حفره ای به جای دهانه ورودی به داخل ظرف تعبیه شده است ، رنگ این سفال هم سیاه است ؛ هر دو نمونه پیکره پرنده از عمارلو دارای نقوشی به صورت خطوطی روی بدن خود هستند (شماره ۶)، (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۵۴). در کاوش های مریان در تالش ، پیکره سفالی پرنده ای یافت شد که حفره مریان آن را یک «أسکول» خوانده است ؛ این پیکره پرنده سفالی به رنگ سیاه است و دارای بدنی بادامی شکل و سه پایه بلند ، دم کوتاه و پهن ، سری کوچک و نوکی کوتاه به صورت یک آبریز دارد ؛ چشمان پرنده با فرورفتگی هایی ایجاد شده است ، در روی کمر پرنده دهانه ای ایجاد شده است تا مایعات را به درون ظرف بریزند و احتمالاً در مراسم استفاده کنند ( شماره ۷) ، (اختر ، ۱۳۱: ۱۳۸۵) ؛ (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۵۴). نمونه های یافت شده از خارج از مناطق جنوبی دریای کاسپی ، در ایران بسیار متنوع است . از سیلک B یک نمونه پیکره پرنده ای احتمالاً کبوتر پیدا شده است که دارای بدنی بادامی شکل و دم پهن ، گردنی بلند ، سری کوچک و پاهای کلفت و بلندی در پایین و یک دسته حلقوی بزرگ در پشت خود دارد و حفره ای را در جلوی دسته در روی کمر پرنده که احتمالاً برای ریختن مایعات به درون ظرف کاربرد داشت ، دارد ، رنگ

ظرف سفالی با آبریز ناودانی دراز، چسبیده است که با سوراخی با قسمت مجوف بدن راه دارد. ظرف سفالی همانند ظروفی است که در دستان پیکره های سفالی مرد است و متعلق به عصر آهن است (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۳۴۱-۳۴۶) از نکات قابل توجه در مورد پیکره های سفالی رنگ این پیکره هاست که به رنگ قرمز است و از رنگ های خاکستری و سیاه استفاده نشده است و این عمدی است تا رنگ پیکره با رنگ پوست انسان بخورد و دیگری حالت دست، چشم و دهان است که حالت ناراحتی و و گریه فریاد یک انسان را به نمایش گذاشته است و این بیان کننده این است که این مجسمه برای کفن دفن شخص متوفی که در قبر به خاک سپرده شده تهیه گردیده است و شاید هم این پیکره ها بتوانند برای متوفی دردنیای باقی هم بگریند و یا خدمتی کند (لوحه «۱۰» - شماره ۲، ۳ و ۵). به نظر می رسد که صاحب آرامگاه شماره ۳۶ که تعداد زیادی از اشیاء درون قبرش یافت شده است و نبود اسلحه و ابزار رزم در این قبر احتمالاً، یک حاکم یا رهبر مذهبی بوده است که هم حکومت می کرده و هم عمال مذهبی و پرستش و دعا؛ هر دو وظیفه را در قبيله انجام می داده است یک احتمال دیگر در مورد این آرامگاه، استفاده ثانویه بوده است، نگهبان در باره این آرامگاه گفته که اشیاء بدون هیچ نظمی درون قبر انباشته شده بود (نگهبان ۱۳۷۸: ۱۱۹).

سفالینه ها در مراسم آیینی و مذهبی؛ یعنی ریختن مایعات (احتمالاً مایعات مقدس) به درون آن و استفاده با سوراخها یا آبریزهای که در این نوع سفالینه ها ایجاد شده است قابل اثبات است. این پیکره ها با شروع عصر آهن «۱» پا به عرصه وجودی می گذارد. نمونه های خورویین که متعلق به عصر آهن یک است (مدود سکایا ۱۳۸۳) و در عصر آهن ۲ تداوم داشته است در عصر آهن ۳ نیز نمونه همچون زیویه ساخته می شده است و با لعاب و نقوشی پوشانده می شود.

#### پیکره سفالی زنان (تصاویر شماره ۸)

پیکره سفالی زنان به صورت عریان و به رنگهای قرمز تیره ساخته شده و سطح بیرونی آنها داغدار است و بر روی اندام جنسی (مثل باسن و آلت زنانگی) آنها نیز تأکید شده است. سر آنها مدور، چشمها بیضی شکل، دماغی نسبتاً بزرگ و مثلثی شکل، گوش های برجسته مثلثی شکل سوراخ دار، دهانی باز بیضی شکل، پاهای بزرگ با شش انگشت، خطوط با نقطه چین بر روی بدن ایجاد شده است، دست ها همچون پیکره های مردان بر گریبان و صورت است انگار عزادار و ناراحت هستند و بر سر صورت می زند و چنگ می اندازد انگار عزیزی را ازدست داده اند؛ در یک مورد مجسمه سفالی زن، در فاصله میان پستانها، یک

۲۷۹؛ وحدتی (۱۳۸۹: ۳۲). سه مورد از پیکره های سفالی گاوهای نر (ورزا) آلت نمایش داده شده است. البته به نظر می رسد هدف سازنده این پیکره ها به نمایش گذاشتن ورزا یا گاو نر در قالب ظرفی آیینی بوده است. ورزا یا گاو نر خود سمبل قدرت و نیرومندی است. نگهبان از روی وفور مجسمه های گاو، گفته این حیوان معنای خاصی داشته و شاید نماد باروری بوده است (نگهبان ۱۹۹۶: ۱۱۷؛ وحدتی، ۱۳۸۹: ۳۲). این پیکرها سفالی گاو از قبور شماره ۲۷، ۱۸، ۱۹، ۵، ۵۲، ۲۴، ۱۳، ۳۲ بدست آمده است (نگهبان ۱۳۷۸: ۳۶۹)، (لوحه ۱۱- شماره ۱، ۲، ۳).

#### پیکره سفالی پلنگ و سگ (تصاویر شماره ۹)

این پیکره تنها پیکره سفالی پلنگ است که در مارلیک یافت شده است که از درون آرامگاه شماره «۳۶» یافت شده است. ارتفاع پیکره ۲۷،۵ سانتیمتر و طول آن ۳۴ سانتیمتر است. این پیکره سفالی به رنگ خاکستری تیره مایل به قهوه ای پوشش داد شده و کاملاً داغدار و صیقلی است، بدن پیکره کاملاً با نقش های دایره شکل پوشانده شده است تا بیشتر به یک پلنگ شباهت پیدا بکند. سر پلنگ گرد و به طرف راست خود نگاه می کند. دهانش باز طراحی شده چشم ها به صورت دایره هایی ایجاد شده و دهان بینی به صورت برجستگی ایجاد شده است. در پایین سر در میان گردن یک آبریز ناودانی شکل تعبیه

#### پیکره سفالی گاوهای کوهاندار (تصاویر شماره ۹)

این پیکره های سفالی به شکل گاو کوهاندار است. این پیکره های گاوها مجوف و توخالی ساخته شده اند و به رنگ قرمز، قرمز قهوه ای، قرمز آجری، خاکستری، خاکستری تیره است. سطوح خارجی پیکره ها صیقلی و داغدار شده است. بر روی کوهان این پیکره های گاو تأکید شده است و بزرگ نمایش داده شده است و شاخهای بزرگ و منحنی شکل برای پیکره ها تعبیه شده است پوزه حیوان به شکل لوله روباز یا آبریز ناودانی شکل است که احتمالاً برای ریختن مایعات از آن استفاده می شده و یا مراسم کفن<sup>۱</sup> دفن از آن بهره می بردند. این پیکره های سفالی گاو توخالی است؛ احتمالاً که مایعات مقدس را درون آن می ریخته اند و پیکره سفالی نقش یک ظرف مقدس را بازی می کرده است؛ بعضی از پیکره ها به شکل گاو نر و بعضی ها به شکل گاو ماده است. از قبور مارلیک ۱۸ عدد پیکره سفالی گاو یا ظروف سفالی گاو مانند کشف شده است معمولاً هم طولی در حدود ۲۵ تا ۲۹ سانتیمتر و ارتفاعی در حدود ۱۹ تا ۲۵ سانتیمتر دارند گوشها به صورت زائده های سوراخ دار ساخته شده البته در مواردی بدون گوش هستند و در چهار مورد هم از گوشها، گوشواره های حلقه ای طلائی آویزان است (نگهبان، ۱۳۷۸: ۳۸۹-۳۶۹؛ کامبخش فرد ۱۳۸۰:

پیکره به رنگ قرمز آجری است و دارای تمپر (شاموت) شن است ( همان ، ۱۶). پیکره بدنی استوانه ای و کشیده دارد ، گردنی قطور و متوسط دارد ، سری مثلثی و کوچک و شاخهای کلفت دارد که شکسته و درازی آن را نمی شود تشخیص داد . دو سوراخ در دو طرف سر بجای چشم حیوان و شکافی در جلوی سر برای دهان گاو تعبیه شده است ، دو برجستگی در دو طرف سر زیر شاخها بجای گوش گاو ایجاد شده است. کوهان گاو کوچک است و هیچ تائیدی ندارد و شاید هدف سازنده گاو ماده بود یا جنکا( ورزای کم سن سال). دستهای گاو سفالی استوانه ای و بلند بوده و یک برجستگی گردی مانند در جلوی دست جایی که مفصل دستان است قرار دارد که نشانه زانوان گاو است (لوحه ، ۵۱- شماره ۱)، ( Mahfroofzi and Piller. ) 2009., 187, 198؛ ماهفروز ، ۱۳۸۴: ۱۶). تکوک یا پیکره گاو بعدی هم توخالی و به رنگ قرمز آجری است و جلا داده شده است. این پیکره نسبت به قبلی طبیعی تر ساخته شده است و دارای ارتفاع ۹/۵ سانتیمتر و طول ۲۸ سانتیمتر دارد و در قسمت شکم ، دست ها و پاها ، دم و شاخ شکسته و ناقص است و احتمالاً یک گاو نر (ورزا) است ، دارای بدنی استوانه ای و کشیده ، گردنی ستبر و پهن است ؛ سری نسبتاً بزرگ دارد و دو سوراخ در دو طرف سر برجای چشم و شکافی در جلو بجای دهان ، دو

شده است و با سوراخی به درون پیکره سفالی راه دارد. پاهای پیکره کوتاه ، دومی کلفت و پیچ خرده دارد (نگهبان ۱۳۷۸: ۴۰۹؛ خلعتبری ۱۳۹۲: ۲۵۱). شکل و فرم پلنگ به نمایش گذاشته در پیکره سفالی عجیب است ؛ با سینه ای بالا آمده که به گردنی متصل می شود این پیکره هم به احتمال فراوان در مراسمات آیینی استفاده می شد. این حیوان در مناطق شمالی کشور در کوه های البرز شمالی از حیوانات بومی است و در سرتاسر البرز سکونتگاه- های آن است خصوصاً مناطق جنگلی در کوهستان و جلگه ای (شماره ۱۱) پیکره سفالی سگ طول آن ۸،۵ سانتیمتر و ارتفاع ۹ سانتیمتر است و از آرامگاه شماره ۵۲ یافت شده است. این پیکره خشن و دارای رنگ قرمز آجری است سر پیکره مثلثی و دهانی باز و دنداندار و زبانی بیرون آمده دارد. دستهای حیوان به جلو آمده و در حالت جست خیز و بازی است (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۴۱۱؛ خلعتبری ، ۹۲: ۲۵۱)، (شماره ۱۲) .

### پیکره های گاو (تصاویر شماره ۱۰)

۱ - پیکره توخالی گاو (تکوک یا ریتون گاو) یافت شده که بسیار آسیب دیده است ، نیمی از آن از کمر به پایین شکسته و از بین رفته است ، نیمی از دست راست و شاخ ها هم شکسته است ، ارتفاع ۱۹ سانتیمتر و طولی در حدود ۱۷ سانتیمتر دارد ، این

گوناگون بوده است. این اقوام پرورش دهنده گاو و احتمالاً گوسفند و بز بوده اند و در کنار شغل دامپروری، کشاورزی می کردند و محصولاتی چون گندم را در مناطق کوهستانی، همچون دشتهای میانکوهی، کشت می کردند. احتمالاً کسانی که کشاورزی می کردند، از تعداد دامهای کمتری برخوردار بودند یا تعداد دامهای این خانوارها در حد نیاز بوده، مثلاً گاو برای شیر، ماست، کره، پنیر و ورزا (گاونر) برای شخم زدن زمین یا بارکشی مورد استفاده بوده است. این اقوام در زمستانها در مناطق پست و جلگه ای (قشلاق) به سر می بردند و دامهای خود را با علفهای زمستانی تغذیه می کردند و در تابستانها به مناطق کوهستانی (یلاق) کوچ می کردند، و از دلایل کوچ به مناطق کوهستانی را می توان این موارد را ذکر کرد، گرمی و رطوبت هوا، دوری دامها از حشرات موذی، و احتمالاً کشت و کشاورزی در مناطق کوهستانی بوده است، البته ناگفته نماند بسیاری از این پیکره ها در قبور یافت شده که نشان می دهد در مراسم آیینی از آنها استفاده می شده است.

#### منابع

- اختر، ساچلی / ۱۳۸۵ / نگرشی بر سفالینه های بدست آمده از کاوشهای باستان شناسی تالش (حوزه کرگانرود) / مجموعه مقالات دومین همایش،

شاخ کلفت و احتمالاً بلند در سر ایجاد شده است و برجستگی های در زیر شاخ بجای گوش تعبیه شده است. کوهان نسبتاً بزرگی دارد که با شی نوک تیز سوراخ های ریزی بر روی آن برای تزئین ایجاد شده است. پاها استوانه و کوتاه است (البته به خاطر شکستگی نمی شود به صراحت اندازه پاها را بیان کرد. حالت و فرم گاو سفالی طبیعی است و سازنده خواسته است که پیکره را هرچه طبیعتتر طراحی کند و از این نظر نسبت به پیکره های سفالی مارلیک و املش و کلاردشت برتری دارد (شماره ۲، ۳)، (ماهفروزی، ۱۳۸۴: ۱۶؛ Mahfroozi and Piller. 2009: 198). پیکره های سفالی گاو از محوطه های مثل مارلیک (نگهبان، ۱۳۷۸: ۳۶۹)، املش (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۵۱۷ ت ۵۵) و بعضی از محوطه های عصر آهن دیگر در مناطق جنوبی دریای کاسپی یافت شده است که باهم دارای تفاوت هایی هستند

#### نتیجه گیری

پژوهش و تحقیق و تحقیق حاضر برای توصیف کلی پیکره های عصر آهن کرانه های جنوبی دریای کاسپی، با تکیه بر یازده محوطه باستانی این منطقه با محوریت تپه مارلیک انجام گرفته است. مناطق جنوب دریای کاسپی به خاطر شرایط و موقعیت جغرافیایی خاص خود مامن و پرورش دهنده اقوام

- فرهنگ و تمدن تالش / چاپ اول / ناشر ، پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری تالش
- وحدتی ، علی اکبر / ۱۳۸۹ / ردپای ایزد مهر در باورهای دینی عصر آهن در جنوب دریای گسپی (مازندران) ، بررسی جلوه های آیینی شمایل نگاری مارلیک / باستان پژوهی ، دوفصلنامه ایران شناسی ، دوره جدید ، سال سوم ، شماره ۶ ، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ / صفحه ۲۷ تا ۳۷ .
- وندن برگ ، لوئی / ۱۳۸۷ / باستان شناسی ایران باستان / چاپ سوم / ترجمه ، عیسی بهنام / ناشر ، موسسه انتشارات دانشگاه تهران .
- پرادا ، ایدت ؛ با همکاری رابت دایسون و چالز ویلکینسون / ۱۳۸۶ / هنر ایران باستان / چاپ سوم / چاپ اول ، ۱۳۵۷ / ناشر ، انتشارات دانشگاه تهران .
- خلعتبری ، محمدرضا / ۱۳۹۲ / گیلان در عصر آهن / چاپ اول / ناشر ، نشرگوی .
- دست افشان ، محمدرضا ؛ جلال میریان / ۱۳۸۱ / بررسی وزن بدن اسپچه خزری از تولد تا دوسالگی ؛ سومین همایش اسپچه خزر ، چکیده پژوهش ها / ناشر ، معونت پژوهشی ، پژوهشکده مردم شناسی ، سازمان میراث فرهنگی و صنایع دستی کشور
- ریاضی ، برهان / ۱۳۸۰ / حیات وحش در گیلان ؛ در کتاب گیلان / چاپ دوم / گروه پژوهشگران ایران / صفحه ۳۵۱ تا ۳۷۲
- سرفراز ، علی اکبر ؛ فریدون آورزمانی / ۱۳۸۷ / سکه های ایران : از آغاز تا دوران زندیه / چاپ اول / ۱۳۷۹ / ناشر سمت ، تهران
- سودایی ، بیتا / ۱۳۸۱ / بررسی سفالینه های منقوش قبرستان b سیلک / پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته باستان شناسی / دانشگاه تربیت مدرس ؛ دانشکده علوم انسانی .
- شیخی ، مهتاب / ۱۳۹۳ / آثار گنجینه زیویه / چاپ اول / ناشر ، پازینه .
- عطائی ، محمد تقی و قربانعلی عباسی / ۱۳۸۸ / نرگس تپه و نشانه هایی از دوره ماد وهخامنشی / مجله باستان شناسی و تاریخ ، سا بیست و دوم ، شماره دوم ، شماره پیاپی ۴۴ / ناشر ، مرکز نشر دانشگاهی .
- عزیزاده ، عباس / ۱۳۸۳ / منشاء نهادهای حکومتی در پیش از تاریخ فارس (تل باکون ، کوچ نشینی باستان و تشکیل حکومت های اولیه) / ترجمه ، کوروش رستایی / ناشر ، بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد ؛ فارس .
- فهیمی ، حمید / ۱۳۸۱ / فرهنگ عصر آهن در کرانه های جنوب غربی دریای خزر «از دیدگاه باستان شناسی» / چاپ اول / ناشر ، سمیرا .
- کامبخش فرد ، سیف الله / ۱۳۷۰ / تهران سه هزار و دویست ساله بر اساس کاوشهای باستان شناسی / ناشر ، نشر فضا ، تهران



مازندران / مجموعه مقالات همایش ملی ، چشم انداز باستان شناسی شمال کشور در دهه آینده (جلد ۱) / موسسه آموزش عالی مارلیک نوشهر / چاپ اول / ناشر ، انتشارات اول و آخر

- ملک شه میرزادی ، صادق / ۱۳۸۲ / ایران در پیش از تاریخ (باستان شناسی ایران از آغاز تا سپیده دم شهرنشینی) / چاپ دوم / ناشر ، معاونت پژوهشی میراث فرهنگی کشور .

- مدود سکایا ، یانا / ۱۳۸۳ / ایران در عصر آهن «۱» / ترجمه علی اکبر وحدتی / چاپ اول / ناشر ، پژوهشگاه باستان شناسی

- نگهبان ، عزت الله / ۱۳۷۸ / حفاریهای مارلیک / جلد اول / چاپ اول / ناشر ، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه) .

- لیتتن ، رالف / ۱۳۸۸ / سیر تمدن / ترجمه ، پرویز مرزبان / چاپ چهارم / چاپ اول ، ۱۳۳۷ / ناشر ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .

- Mahfroofi , Ali and Christian Konrad Piller . 2009 . First preliminary report on the joint Iranian-German excavations at Gohar Tappe, Mazandaran, Iran

- گیریشمن ، رومن / ۱۳۸۸ / ایران از آغاز تا اسلام / ترجمه ، محمد معین / چاپ دوم / ناشر ، موسسه انتشارات نگاه .

- لیتتن ، رالف / ۱۳۸۸ / سیر تمدن / ترجمه ، پرویز مرزبان / چاپ چهارم / چاپ اول ، ۱۳۳۷ / ناشر ، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی .



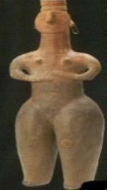

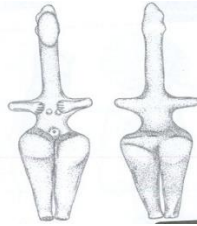
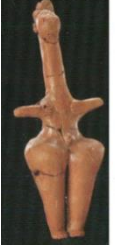












- ماهفروزی ، علی / ۱۳۸۴ / پژوهشهای باستان شناسی گوهر تپه ، رستم کلا ، بهشهر ، مازندران .

- موسوی کوهپر ، سید مهدی ؛ رحمت عباس نژاد ؛ محمود حیدریان / گزارش مقدماتی کاوش های باستان شناختی در تپه کلار کلار دشت . فصل اول / ۱۳۸۵ / گزارش های باستان شناسی (۷) / مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران (جلد اول) / چاپ اول / ناشر ، پژوهشگاه باستان شناسی

- موسوی کوهپر ، سید مهدی ؛ رحمت عباس نژاد / ۱۳۸۵ / گزارش نخستین فصل کاوش باستان شناختی تپه کلار کلار دشت / پروژه مشترک دانشگاه تربیت مدرس و پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری


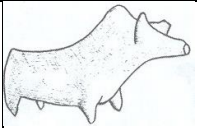






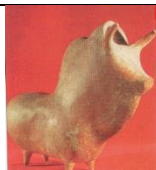



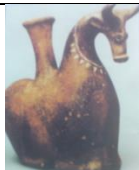







- محمودی عالمی ، علی ؛ مجتبی قاسمیان / ۱۳۸۹ / پیکره های گاو کوهاندار (ورزا) اسطوره ، سنت و پراکندگی فرهنگی آنها در هزاره ی دوم و اول پیش از میلاد در کرانه های جنوب و جنوب غربی دریای

لوحه «۷۱»-// پیکرهای سفالی عصر آهن منطقه جنوبی دریای کاسپی و نمونه های دیگر مناطق ایران - شماره ، ۱ ، ۲ پیکره انسانی مارلیک (نگهبان ، ۱۳۷۸: ۳۴۱ ، ۳۵۱) - ۳ پیکرک سفالی کلورز (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۸۵ ، ۳۰۷) - ۴ ؛ پیکرک سفالی کلورز(کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۷۸: تصویر؛ و) - ۵ ، پیکرک سفالی نصفی (خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۲۸۵ ، ۳۰۴) - ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ پیکرک سفالی املش(کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: ۲۷۴ ؛ تصور رنگی ۶۶ ، ۶۴) - ۱۰ چکمه ای سفالی شمال غرب اورارتو؛ شماره ۱۱ ، چکمه سفالی ، حسنلو(همان) ۵۱۶: تصویر رنگی ۴۸ و ۵۹) - ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ، پیکرهای سفالی ، لرستان(همان ، ۲۷۸: تصویر ، د ، ج ، ن ؛ تصویر رنگی ۶۷ و ۶۶ و ۶۴ و ۷۲) - ۱۶ ، پیکرک سفالی خوروین (منبع ، وندنبرگ ، ۱۳۸۷: لوحه ، ۱۵۶)

	۱		۲		۳
	۴		۵		۶
	۷		۸		۹
	۱۰		۱۱		۱۲
	۱۳		۱۴		۱۵
	۱۶		۱۷		۱۸

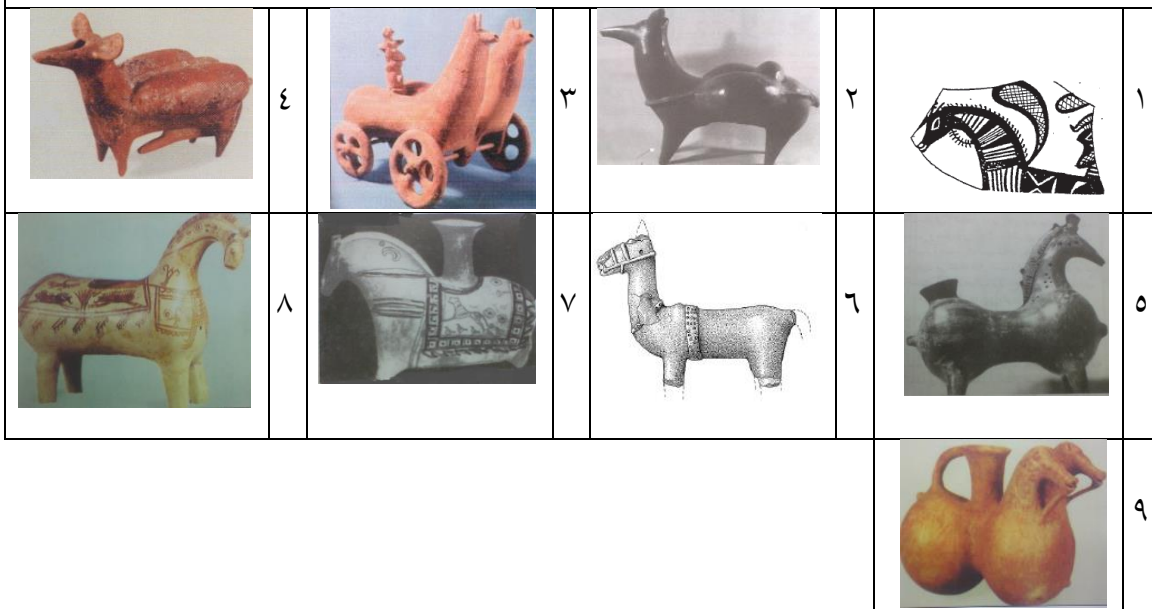
تصاویر شماره ۱

لوحه «۷۲»- پیکرهای سفالی گاو کوهاندار عصر آهن، در مناطق جنوبی دریای کاسپی و خارج از این مناطق شماره ۱، گاو کوهاندار، مارلیک ( سمت راست . منبع ؛ کامبخش فرد ، ۱۳۸۰: تصویر رنگی ۵۶ - سمت چپ . منبع ؛ خلعتبری ، ۱۳۹۲: ۳۰۳) - ۲، گرمابک کلاردشت (فهیمی ۱۳۸۱: ۱۶۷ ات ۸۹) - ۳ و ۴؛ کلورز (خلعتبری ۱۳۹۲: ۳۰۳ تصویر ۵ و ۵) - ۵؛ عمارلو (همان ؛ تصویر ۲) - ۶؛ املش (همان ، تصویر ۳) - ۷؛ عمارلو (محمودی عالمیان و قاسمیان ۱۳۸۹: ۲۲۷ تصویر ۱۵) - ۸، املش (خلعتبری ۱۳۹۲: ۳۰۳ تصویر ۶) - ۹؛ املش (کامبخش فرد ۱۳۸۰: تصویر رنگی ۵۵) - ۱۰ و ۱۱؛ گوهر تپه ( ماهفروزی ۱۳۸۴: ۱۶) - ۱۲، لرستان (کامبخش فرد ۱۳۸۰: ۲۸۳) - ۱۳، منطقه اردبیل (همان تصویر رنگی ۱۰۳) - ۱۴ و ۱۵، شمال غرب، ماد و هخامنشی (همان تصویر رنگی ۱۰۹ و ۱۰۷) - ۱۶، ۱۷، ۱۸؛ گاوهای بومی ایران ( منبع [www.iew.ir](http://www.iew.ir)) - ۱۹ و ۲۰ سر تون و نقش برجسته تخت جمشید.

	۱		۲		۳		۴
	۵		۶		۷		۸
	۹		۱۰		۱۱		۱۲
	۱۳		۱۴		۱۵		۱۶
	۱۷		۱۸		۱۹		۲۰

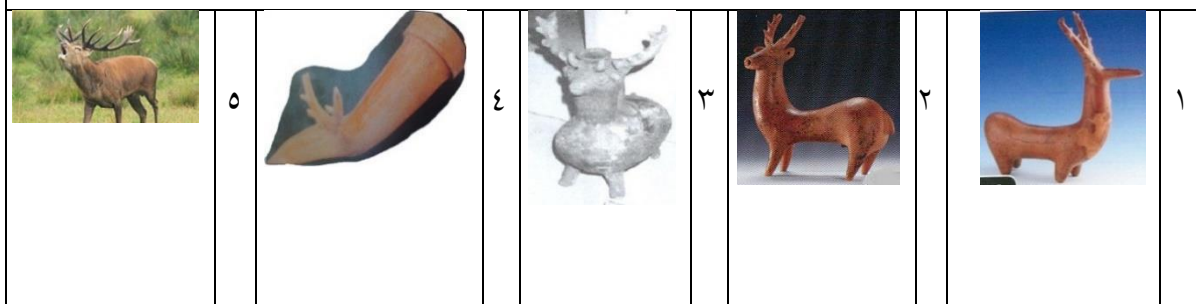
تصاویر شماره ۲

لوحة «۷۳» - پیکرهای اسب از مناطق جنوبی دریای کاسپی و خارج از این مناطق در ایران شماره ۱، نقش اسب بر روی سفال سیلک b (منبع. سودایی، ۱۳۸۲: ۸۰) - ۲ و ۳؛ پیکره قاطر و گردونه سوار از مارلیک (کامبخش فرد ۱۳۸۰: ۲۷۰ ب - و تصویر رنگی ۷۳) - ۴ و ۵، پیکره قاطر و اسب از املش (همان؛ ۲۷۰: تصویر ه - تصویر رنگی ۷۵) - ۶، پیکره سفالی اسب، گوهر تپه (Mahfrouzi and Piller: 2009, 198, fig. 25) - ۷، پیکره سفالی اسب، ماکو (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: ۳۶۹ تصویر، و) - ۸ پیکره اسب از روستای قبل از هخامنشی، شوش (همان، ۵۲۳ تصویر رنگی ۱۱۰) - ۹؛ پیکره یا تکوک اسب، شمال غرب ایران (همان، تصویر رنگی، ۱۱۲)













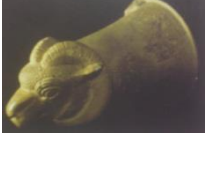
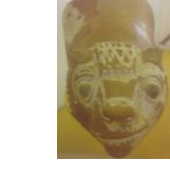





تصاویر شماره ۳ و ۴

لوحة «۷۴» - تکوکهای سفالی گوزن؛ عصر آهن شماره ۱ و ۲؛ تکوک سفالی گوزن از مارلیک (منبع. خلعتبری ۱۳۹۲: ۳۰۳ تصویر ۷، ۸) - ۳، تکوک سفالی گوزن؛ عمارلو (فهیمی، ۱۳۸۱: ۱۶۶ تصویر ۸۷) - ۴؛ تکوک سفالی گوزن شمال ایران (کامبخش فرد، ۱۳۸۰: تصویر، ۱۰۵) - ش. ۵؛ گوزن بومی جنگلهای شمال ایران (منبع. Ir . Jew . www)



لوحه «۷۵»- پیکره های سفالی ، بز و قوچ (کل بز) ، عصر آهن ایران // -  
 شماره ، ۱ ، ۲ ؛ تکوک سفالی قوچ ؛ مارلیک (نگهبان ۱۳۷۸ : ۴۰۱ و ۴۰۵) - ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ ؛ تکوک سفالی بز و آهو ؛ از تپه  
 کلار در کلاردشت ( ۳ ، ۵ ، ۶ منبع ؛ فهیمی ۱۳۸۱ : ۱۶۶ - ۴ ؛ منبع ، کامبخش فرد ۱۳۸۰ : ۵۱۹ ، تصویر رنگی (۷۱) - ۷ ،  
 تکوک سفالی قوچ چرخدار ، گیلان (خلعتبری ۱۳۹۲ : ۳۰۳ ات ۱۰) - ۸ ، تکوک سفالی ، املش (کامبخش فرد ۱۳۸۰ : ۲۷۳  
 الف) - ۹ تکوک سفالی بز کوهی ؛ شمال غرب (همان ؛ ۵۱۹ ، تصویر رنگی (۷۰) - ۱۰ و ۱۱ ؛ تکوک سفالی قوچ ؛  
 آذربایجان ( همان ؛ ۵۲۰ ، تصویر رنگی ۷۶ و ۷۷) - ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ ، ۱۵ ، تکوک سفالی غزال و پلنگ ؛ زیویه ( شیخی ۱۳۹۳ :  
 ۹۰ ، ۱۶۳) - کل ، بز کوهی (www.iew.ir)













	۱		۲		۳		۴
	۵		۶		۷		۸
	۹		۱۰		۱۱		۱۲
	۱۳		۱۴		۱۵		
	۱۶				۱۷		

لوحة «۷۶» // - شماره ؛ ۱، توكوك سفالی خرس ، مارلیك - ۲ ، خرس وحشی ارتفاعات كوهستان البرز- ۳ ، توكوك سفالی پلنگ ، مارلیك - ۴ ، پلنگ مناطق شمالی كوههای البرز -- ( ۳ او ، منبع ؛ خلعتبری ۱۳۹۲ : ۳۰۴ ، تصویر ۱۱- ۲۸۵ ، تصویر ۱۳ ) - ( ۲ و ۴ منبع ؛ [www.iew.ir](http://www.iew.ir) )

	۲		۱
	۴		۳

تصاویر شماره ۶

لوحة «۷۷» - پیکرهای سفالی (توكوك) پرنگان در جنوب دریای کاسپی و سایر نقاط ایران شماره ، ۱ ، توكوك سفالی مرغ کلاردشت - ۲ ؛ توكوك سفالی كبك ، عمارلو ( ۲ او منبع ؛ فهیمی ۱۳۸۱ : ۱۶۶ تصویر ۸۳ و ۸۸ ) - ۳ توكوك سفالی كلاغ منسوب به املش - ۴ ، پیکرهای یا توكوك سفالی دو خروس به هم چسبیده از رودبار - ۵ و ۶ ؛ توكوكهای سفالی پرنده عمارلو (خلعتبری ۱۳۹۲ : ۳۰۷ تصویر ۳۰ و ۳۱) - ۷ ، توكوك سفالی پرنده از مریان (اختر ۱۳۸۶ : ۱۵۱ لوح ۳ ش ۱۲) - ۸ ؛ توكوك یا ظرف سفالی پرنده از سیلک b - ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، پیکرهای سفالی پرنده از خوروین ( ۸ ، ۹ ، ۱۰ ، ۱۱ ، منبع ؛ واندنبرگ ۱۳۸۷ : لوحه ۱۵۴ و ۱۷۳ ) - ۱۲ پیکره سفالی پرنده ؛ دارغاز ، زیویه ( شیخی ، ۱۳۹۳ : ۱۶۲ )

	۴		۳		۲		۱
	۸		۷		۶		۵
	۱۲		۱۱		۱۰		۹

تصاویر شماره ۷

لوحة «۱۰» - پیکره های سفالی انسانی و گرو دونه سوار، از مارلیک؛ (شماره ۱، ۳، ۶، ۲، منبع، کامبخش فرد ۱۳۸۰: ۲۷۶) (شماره ۴، ۵، منبع، خلعتبری ۱۳۹۲: ۳۰۶)

	۳		۲		۱
	۶		۵		۴





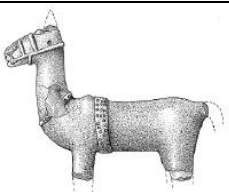

تصاویر شماره ۸

لوحة «۱۱» - پیکره های سفالی انسان و حیوان (تکوک یا ریتون) از مارلیک - (شماره ۱، ۱۰، ۱۲، منبع خلعتبری ۱۳۹۲: ۳۰۳ و ۳۰۴)، (شماره ۲، ۳، ۶، ۷، منبع، کامبخش فرد ۱۳۸۰: ۲۷۰ و تصاویر رنگی)، (شماره ۵، ۸، ۹، منبع پور فرج ۱۳۸۶: ۲۱۸)، (شماره ۱۱ عکس از نگارنده)

	۳		۲		۱
	۶		۵		۴
	۹		۸		۷
	۱۲		۱۱		۱۰

تصاویر شماره ۹

لوحه «۵۱» - پیکرهای یا تکوکهای (ریتونها) سفالی ، عصر آهن از گوهر تپه - ( تصویر ۱، ۳، ۴، ۶؛ منبع؛ ماهفروز ، ۱۳۸۴: ۱۵ تا ۱۹) - ( تصویر ۲ ف ۵ ، منبع؛ Mahfrouzi and Piller 2009,197 )

	۳		۲		۱
	۶		۵		۴

تصاویر شماره ۱۰